

قیمت ذاتی گاز و آینده صنایع گازبر

دیدگاه دکتر نرسی قربان، مدیرعامل شرکت نارکنگان و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»



رقابت را امکان پذیر سازد. البته این بدان معنی نیست که صنعت بیش از نرُم مصرف خود، استفاده نماید و با قیمت گاز ارزان رقابتی شود. صنایع گازبر اگر بیش از نرُم جهانی به ازای هر واحد تولید خوراک مصرف نمایند، می باید جریمه شوند و اگر کمتر مصرف نمایند بگینند.

اگر قرار است طبق سند چشم انداز فروش فرآورده های حاصله از گاز به جای فروش گاز به صورت خام در اولویت باشد و بخواهیم حرف اول را در اقتصاد این گونه کالاها در منطقه بزینم و بتوانیم سرمایه های لازم و تکنولوژی را جذب نماییم، این رقم باید به گونه ای برای صنعت تعیین شود که بتوانیم به اهداف فوق برسیم. از سوی دیگر برای جلوگیری از هدرسوزی و اسراف گاز در بخش های دیگر اقتصاد، این رقم می باید به گونه ای دیگر تعریف شود که از هدر رفتن گاز جلوگیری نماید.

تعیین قیمت گاز برای بخش های اقتصادی کشور به صورت درصدی از قیمت صادراتی گاز که قراردادهای آن از یک سو و هزینه منافع واقعی آن برای کشور از سوی دیگر شفاف نمی باشد و تأثیرپذیر از چانه زنی های سیاسی و استراتژیک در سال های بعد از عقد قرارداد است به هیچ وجه جوابگوی اهداف چشم انداز در این صنعت نمی باشد، زیرا تعاملات سیاسی جایگزین حقایق اقتصادی می گردند. اگر قیمت گاز و فرمول تعیین آن در درازمدت به صورت شفاف و با در نظر گرفتن واقعیت های اقتصادی تعیین نگردد، علاوه بر آن که صنایع پتروشیمی، فولاد، سیمان و غیره با مشکل روبرو خواهند شد، هیچ گونه سرمایه گذاری جدیدی برای توسعه صنایع گازبر در ایران به وقوع نخواهد پیوست.

بهترین و شفاف ترین روش قیمت گذاری گاز برای صنایع گازبر تعیین قیمت گاز بر مبنای درصدی از قیمت نفت می باشد که می تواند با تغییراتی برای صنایع پتروشیمی، فولاد، سیمان و غیره بکار گرفته شود. جذب سرمایه جدید برای صنایع گازبر در چنین حالتی که قیمت خوراک در درازمدت کاملاً مشخص می باشد، بسیار آسان تر خواهد بود. ■

داخلی و یا صادرات تعیین گردد.

صادرات گاز با نفت تفاوت بسیار زیادی دارد و لازم است ایجاد خطوط لوله انتقال گاز و یا تبدیل گاز به مایع (LNG) می باشد که میلیاردها دلار هزینه دارد و مستلزم قراردادهای درازمدت، تعامل سیاسی و استراتژیک و فاینانس بین المللی است. تصور آن که اگر گاز را در داخل ایران مصرف نماییم، به همان سادگی مصرف در داخل کشور می توان به خارج صادر کرد، اگر از بی اطلاعی و عدم آشنایی به شرایط موجود صنعت گاز در جهان نباشد، بی شک از انگیزه های دیگری سرچشمه می گیرد و با سند چشم انداز که خام فروشی را منع نموده است مغایرت دارد.

چگونه قیمت گاز را تعیین کنیم

همان طور که اشاره شد قیمت گاز در وهله اول می باید بر مبنای هزینه های تولید، پالایش و انتقال آن شکل بگیرد. در این رابطه اگر منافع حاصله از فروش مایعات گازی را نیز در محاسبات وارد نماییم، به طور متوسط کلیه هزینه های تولید گاز در ایران را می پوشاند. مثلاً در هر فاز پارس جنوبی ۴۰ هزار بشکه مایعات گازی تولید می گردد که ارزش کنونی آن حدود ۳۲/۲ میلیون دلار در روز و بیش از ۱/۱ میلیارد دلار در سال می باشد و می تواند در کمتر از سه سال کلیه هزینه های سرمایه گذاری برای تولید بیش از ۲۵ میلیون متر مکعب گاز در روز را پوشش دهد. در مورد گازهای همراه نیز کلیه هزینه ها را تولید نفت پوشش می دهد. اگر با در نظر گرفتن ارزش مایعات گازی و یا بدون در نظر گرفتن آن، هزینه های پالایش، انتقال و سود عملیات را اضافه نماییم، به رقمی متوسط برای هزینه یک متر مکعب گاز در ایران دست می یابیم که چنانچه آن را با قیمت فروش گاز در داخل کشور به صنایع مقایسه نماییم، اختلاف آن، رقم سوسسید دولت به صنایع می باشد (سوسسید به مصرف کننده، اختلاف هزینه های یک کالا با قیمت فروش آن می باشد). این رقم هیچ ارتباطی به آن که گاز در ترکیه چه قیمتی دارد و یا در آمریکا و ژاپن به چه ترتیب است، ندارد. در حال حاضر قیمت گاز به ازای هر متر مکعب در ژاپن بیش از ۳ برابر قیمت آمریکا می باشد، در صورتی که قیمت نفت وارداتی به دو کشور تقریباً مساوی است. ارزش ذاتی گاز در ایران می باید توسط نظام (مجلس) مجمع تشخیص مصلحت نظام و دولت) با در نظر گرفتن همه ابعاد اقتصادی، استراتژیک و سیاسی کشور تعیین گردد. در مورد قیمت گاز به صنایع داخلی ارزش ذاتی گاز در واقع مالیاتی است بر قیمت خوراک که نظام علاوه بر هزینه های تولید، پالایش و انتقال گاز تعیین می نماید و می باید در حلدی باشد که

مجلس شورای اسلامی بالاخره در مورد تعیین فرمول درازمدت قیمت گاز برای صنایع، روش پیشنهادی وزارت نفت را به راهکارهای ارایه شده از طرف اتاق بازرگانی و وزارت صنایع ترجیح داد. وزارت نفت فرمول تعیین قیمت گاز به صنایع داخلی را بر مبنای ۶۵ درصد قیمت صادرات گاز ایران پیشنهاد نموده بود، در حالی که اتاق بازرگانی فرمول تعیین قیمت گاز را بر مبنای متوسط قیمت های گاز به صنایع در کشورهای رقیب ایران در این زمینه در نظر گرفته بود. علیرغم آن که هر دو پیشنهاد مکانیزم شفاف لازم را به نحوی که سرمایه گذار بتواند با بکارگیری فرمول قیمت درازمدت گاز به یک امکان سنجی قابل قبول دست یابد ندارد، ولی پیشنهاد اتاق بازرگانی برای رسیدن به اهداف چشم انداز که می خواهد ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول علمی و اقتصادی در منطقه باشد نزدیک تر است. مقبولیت این راهکار در آن است که جذب سرمایه گذاری و تکنولوژی در صنایع گازبر ایران را با فشارهای بین المللی کنونی امکان پذیر می نماید. اگر فرمول تعیین قیمت گاز به صنایع داخلی بر مبنای ۶۵ درصد قیمت صادرات گاز تعیین شود (یعنی بیش از قیمت کنونی گاز به صنایع در آمریکا) قیمت خوراک گاز به صنایع کشور چند برابر قیمتی خواهد بود که عربستان سعودی و قطر گاز را در اختیار صنایع خود می گذارند. در چنین شرایطی امکان رقابت با این کشورها که نسبت به ایران، دسترسی به مراتب بیشتری به سرمایه و تکنولوژی دارند، غیر ممکن می گردد.

قیمت گاز و ارزش ذاتی آن

به طور کلی قیمت هر کالایی بر مبنای هزینه های تولید، تقاضا و ساختار بازار شکل می گیرد. در مورد انرژی های تجدیدناپذیر مانند نفت و گاز، ارزش ذاتی آنها نیز در قیمت ها تأثیرگذار می باشد. بحث بر سر آن که ارزش ذاتی این کالاها چیست، بسیار گسترده است و فرمول دقیقی در این رابطه وجود ندارد. کشورهای صادرکننده نفت و گاز، مبلغی را علاوه بر هزینه ها و سود عملیات بر مبنای ساختار بازار تعیین می نمایند که می توان گفت در مورد نفت، جهانی و در مورد گاز، منطقه ای می باشد. کشورهای مصرف کننده نفت و گاز نیز مالیات هایی را از این کالاهای ضروری به نفع خزانه خود اخذ می نمایند. پس به طور کلی می توان گفت که ارزش ذاتی گاز می باید بر مبنای مصالح ملی هر کشور و با در نظر گرفتن شرایط و امکانات اقتصادی سیاسی، استراتژیک و بالخصوص امکانات تجاری برای مصرف